



## بررسی فقهی حقوقی صحت یا بطلان بیمه عمر و مقایسه آن با بعضی عقود مشابه

کامل حمید<sup>۱</sup>، عبدالسلام حمید<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم

۲- دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل ارس

### چکیده

با وجود چندین دهه از پیدایش بیمه (به عنوان یک عقد) و قراردادهای ناشی از آن (در اشکال مختلف) در ایران می گذرد، اما همواره در ماهیت حقوقی آن میان حقوقدانان اختلاف نظرهای عمیقی وجود دارد؛ علت عمده این اختلاف نظرها به چند دستگی فقهاء در مشروع بودن و یا نامشروع بودن بیمه دارد. عدّه ای از فقهاء خصوصاً فقهای اهل سنت، بیمه را عقدی حرام و باطل دانسته اند زیرا که معتقدند این عقد، هیچ شباهتی با عقود معهوده اسلامی ندارد و برای آن عناوینی همچون «التزام مالایلم»، «قمار»، «ربا» و «غرر» بکار برده اند که البته در میان فقهای ما نیز این نظر، طرفداران محدودی دارد (مشخصاً در بحث ربوی بودن «بیمه عمر»). یکی از اقسام قراردادهای بیمه که در زندگی روزمره جامعه کاربرد فراوان و البته طرفداران بسیاری نیز دارد که خالی از ایراد نیز نبوده است، «بیمه عمر» یا «بیمه زندگی» (موضوع مواد ۲۳ تا ۲۷ قانون بیمه) می باشد که در میان حقوقدانان ما (به تبع نظر فقهاء) اعتقاد بر این است که «بیمه عمر» با هیچ یک از عقود مشابه مانند بیع، ضمان، صلح، جعاله، هبه معوض، مضاربه، تعهد به نفع ثالث یا عناوین فقهی مانند تعلیق، تعاون (تبرّع و همیاری) و غیره همسان نبوده و در فرض پذیرش عقد بیمه به عنوان یک عقد نوین با ماهیتی مستقل و جدا از سایر عقود معین و معهوده در حقوق اسلامی، قابل پذیرش است و ایراداتی همچون ربا، قمار و غرر از آن، قابل دفع خواهد بود. در این مقاله که به روش کتابخانه ای گردآوری شده است خواهیم دید که «بیمه عمر» با وجود عناوین متعددی که از منظر فقها و حقوقدانان اسلامی به آن وارد است، می تواند به عنوان یک عقد مستقل با اوصافی همچون «لازم»، «رضایی»، «معوض»، «الحاقی» و «مستمر» تلقی گردد که البته مستند به مواد (۱۹۶) و (۲۳۱) قانون مدنی ایران، به نظر می رسد با بیش و کم اختلاف نظر، می توان آن را مصداقی از «تعهد به نفع ثالث» پذیرفت. البته در غایت بحث، به این مهم نائل خواهیم آمد که با وجود شباهتهایی موجود میان قرارداد بیمه عمر و تعهد به نفع ثالث، نمی توان حکم به تطابق و همسانی این دو داد و ناگزیر باید برای قرارداد بیمه عمر، ماهیتی مستقل و جدا از سایر عقود و قراردادهای در نظر گرفت که این نظر نیز مورد تأیید فقهای متأخر امامیه و قانونگذار ایرانی (در قانون بیمه) قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** بیمه عمر، عقود معین، عقد مستقل، ذینفع بیمه نامه، اصل نسبی بودن قراردادهای



## ۱- مقدمه

از آغاز ورود «بیمه» (Insurance) در معنای کنونی به زندگی انسانها که در ابتدا تنها اموال را تحت پوشش قرار می داد و اساساً بازرگانان مبتکر آن بودند (مشخصاً در حمل و نقل دریایی)<sup>۱</sup> کم کم همه ابعاد زندگی بشر را تحت پوشش خویش قرار داد و هر روز ضمن گستردگی موضوعات آن، حجم بسیاری از مرادوات انسانی را در بر گرفت. با بیشتر شدن حجم مرادوات میان جوامع، صنعت و خطراتی که متوجه کارگران و البته خساراتی که ممکن بود به وقوع بپیوندد و کارفرمایان را در مقام جبران قرار دهد، همچنین به سبب بروز حرفه های صنفی غیرتجاری مانند حرفه پزشکان، مهندسان، کارشناسان، و کلاه و غیره، صنعتگران و بازرگانان را بر آن داشت که این نهاد، نه فقط حمل و نقل و دریانوردی (کشتریانی) را شامل گردد، بلکه سایر شئون اقتصادی و اجتماعی را نیز تحت پوشش قرار دهد. از سویی دیگر، جامعه نیز با توجه به احتیاجات و نیازهای ضروری خویش - شاید هم به جهت پذیرش این نظریه که بیمه میزان ریسک را کاهش داده و همچنین، تأمین خسارات بنحو سهل الوصول تری نسبت به مطالبه از واردکننده زیان و مراجعه به مراجع قضایی و طی تشریفات طولانی و پیچیده - شاهد آن بودیم که رفته رفته، ضمن پیدایش بیمه های جدید، صنعت بیمه نیز در کشورها - من جمله کشور ما - رشد چشمگیری داشته است. یکی از گونه های مهم «بیمه» که در کشور ما نیز طرفداران زیادی دارد، «بیمه عمر» (Life Insurance) «مشهور به بیمه زندگی» است که با وجود ایرادهای زیادی که به آن از همان آغاز ظهور تا کنون به آن شده است، می باشد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - گفته شده است اولین گزارشها از صنعت بیمه مربوط به چینی ها بوده است که توسط بازرگانان این کشور در مرادوات دریایی، آن را میان خود رواج داشته اند؛ بعدها این فنیقی ها و بابلی ها بودند که برای تأمین هزینه کالاها و کشتی ها در صنعت دریانوردی، شکل جدیدی از آن را ابداع نمودند و پس از آنها، این یونانی ها بودند که به روشی مرسوم و رایج (در آن زمان) ضمن مکتوب کردن آن «در قالب قرارداد بیمه» در بنادر مختلف تجاری خصوصاً در ایتالیا (مانند ونیز، جنوا و لمباردی) به نمود جدیدی از بیمه ارائه شد. در نهایت و در قرون اخیر (خصوصاً قرن هفدهم میلادی به این سو)، این انگلیسی ها بودند که اولین شکل از بیمه های امروزی را بنا نهادند. البته این ابداع نوین انگلیسی ها مانند پیشگامان قبلی در امر بیمه، در ابتدا تمرکز خویش را میان جامعه بازرگانان و کشتی داران و در صنعت دریانوردی قرار داده بودند ولی بعدها، صنعت بیمه در این کشور و کشورهای همسو خصوصاً ایالات متحده امریکا در تمام زمینه ها رشد چشمگیری داشت بنحوی که در همان دوران (در بین سالهای ۱۷۳۵ تا ۱۷۷۰) صنعت بیمه در این کشور موفق شد علاوه بر بیمه بازرگانی که مختص به حمل و نقل دریایی بود، شامل بیمه مسئولیت (در ابتدا فقط آتش سوزی) را نیز در بر گیرد.

<sup>۲</sup> - عمده این ایرادات از آنجا نشأت می گرفت که فقهای مخالف این نوع بیمه معتقدند که مبالغ زیاده که بیمه گذار به بازماندگان بیمه گذار پرداخت می کند، «ربا» و چنین معامله ای، مصداق معامله ربوی است. دلایل استنادی ایشان نیز آیات ۲۷۵، ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره بود (رشید و بهجه البیطار، ۱۴۰۶ ه.ق. / ۱۹۸۶ م: ۱۲۴). در جایی دیگر، یکی از فقها، آن را مصداق «ربای قرضی» دانسته است (علیان، ۱۴۱۶ ه.ق. / ۱۹۹۶ م: ۱۵۸). گروهی دیگر آن را مصداق «قمار»، «گروبندی» و «رهان» می دانند که معتقد بودند همه این موارد از منظر شرع انور، حرام و باطل می باشد؛ دلیل ادعایی ایشان نیز آیه ۹۰ سوره مائده و ۲۱۹ سوره بقره بوده است (نک: به: علیان، همان: ۱۶۹، همچنین، ر.ک. به: السنهوری، بی تا: ۹۸۵ و ۹۸۶ و بهره ور، ۱۳۳۶: ۶۴). گروهی دیگر، پا را فراتر از این نهاد و معتقد بودند که بیمه عمر، تحدی با قضا و قدر است که مصداقی از موارد مبارزه با قدر الهی است که بدون تردید تفکر آنان خطایی ناصواب بود، چرا که بیمه مانع از وقوع حادثه نمی شود و شرکتهای بیمه نیز این ادعا را ندارند که می توانند یا قادرند مانع از بروز خطر و حادثه شوند که عمل آنان مصداق دخالت در امور الهی باشد (نک: به: مجرکش، بی تا: ۱۳۴) شاید این تصور غلط به جهت تفسیر اشتباهی بود که ایشان از آیه ۲۲ سوره حدید روا داشته اند؛ در حالی که بیمه نوعی تعاون و همکاری در جبران خسارت است



نه پیشگیری از خسارت یا مانع شدن از قضا و قدر الهی. گروهی دیگر، بیمه عمر را مصداق «غرر» دانسته و در نتیجه رأی به بطلان چنین توافقاتی داده اند چرا که ایشان معتقدند معاملات غرری باطل و بلا اثر است (مستند به حدیث نبوی «نهیت عن الغرر یا نهی النبی عن بیع الغرر»). شاید عمده خطای فکری این گروه آن است که بیمه عمر را مصداق بیع (خرید بیمه) فرض نموده اند و چون دقیقاً معلوم نبود که بیمه گر قرار است چه مبلغی را به بیمه گذار یا وابستگان وی (وراث) پرداخت نماید، لذا چنین قراردادی باطل خواهد بود. ایراد کار نیز در آنجا بود که کردار بیمه گر را فریفتن بیمه گذار پنداشته اند بدینحو که ایشان با ایجاد عنصر «ابهام» و حدوث احتمال و شبهه در عقد بیمه، در واقع از مبلغی نامعلوم، مهمم و نارسا سخن گفته است به شکلی که این عمل آنان یک عمل نکوهش شده است (حقوقدان مصری، «السنهوری» در الوسیط، ص ۴۹ با این عنوان که در عقد بیمه عمر، هیچ ضرری به شخص متبرع نمی رسد، و در تبرعات، غرر به هر مقدار که باشد در صحت عقد خللی وارد نمی آورد بر این نظر خرده گرفته است که به اعتقاد ما موضع ایشان با منطق حقوقی امروز ما سازگار و منطبق است و حتی می توان آن را با تعهد به نفع ثالث «Commitment in Favor of a Third Party» که یکی از اقسام ماهوی بیمه عمر است، منطبق دانست که در مطالب آتی در خصوص آن بیشتر سخن خواهیم گفت). گروهی دیگر نیز بیمه عمر را مصداق «أکل مال به باطل» دانسته و مستند به آیه ۱۸۸ سوره بقره، رابطه بیمه با خوردن مال باطل را توجیه کرده اند و برای این استدلال خویش دلالی نیز ابراز داشته اند (محمود آل محمود، بی تا: ۳۰۴. جهت مشاهده این نظرات، ر.ک. به: پرتوی زاده بنام و آیتی، ۱۳۹۱: صص ۶۳ و ۶۴). در نگاه اول، در خصوص این نظر گفته شده است چرا و به چه علت، بیمه گر مبلغی بیش از آنچه گرفته است باید به بیمه گذار پرداخت کند؟ آیا این مبلغ زیاده، اکل مال به باطل توسط بیمه گذار نیست؟ ضمن آنکه بیمه گذار هیچ گونه سعی و تلاشی در تحصیل این مبلغ زیاده نداشته است و عملاً بلاجهت به آن نائل آمده است (عرفانی، ۱۳۷۱: ۱۱۱ و ۱۱۲). گروهی دیگر از نویسندگان که واضح است دیدگاه آنان تماماً جنبه شرعی دارد، بر این عقیده هستند که «بیمه عمر»، التزامی است که شرعاً واجب نیست ایفاء و اجراء شود؛ دلیل استنادی آنان نیز این است که در شرع اسلام، فقط سه التزام واجب الاداء و الزام آور است: عقود، کفالت (به طور خاص)، تعدی و اتلاف اموال در حالی که کفالت مشتمل بر بیمه نمی شود چرا که بیمه گر کفیل بیمه گذار نیست، ضامن ایشان هم نیست تا مثلاً مصداقی از عقود (فرضاً عقد ضمان) باشد و همچنین، تعدی و اتلاف مالی هم در کار نیست، لذا چنین تعهدی، قدرت الزام اور ندارد و شرعاً درست نیست (الزرقاء، بی تا: ۲۴ تا ۲۸) به نظر می رسد خطای فکری این گروه ناشی از بیع دانستن بیمه عمر باشد که در نتیجه این خطای ذهنی، آن را باطل (فاسد) دانسته اند (نک. به: پرتوی زاده بنام و آیتی، پیشین: ۶۵). گروهی دیگر، با این استدلال که در زمان پرداخت اقسام، اگر حادثه ای رخ دهد که بیمه گر ملزم به جبران باشد ولی در آن مدت (حدوث خطر)، بیمه گذار از پرداخت اقساط ناتوان بوده است یا از پرداخت امتناع نموده باشد، در این فرض، شرکت بیمه، ملزم به ضمان شرعی (جبران خسارت) نیست و این عمل، مصداق غبن خواهد بود (ابن القیم الجوزیه، بی تا، ج ۳: ۱۰۷ به نقل از: همان مأخذ: ۶۷) که به نظر عمده خطای فکری این گروه، این بوده است که بیمه عمر را نوعی معاوضه پنداشته اند که عوضین دو طرف را در مقابل یکدیگر قرار داده اند که به نظر می رسد اشتباه فاحش باشد. یکی دیگر از نظرات مخالفین «بیمه عمر» این است که این عقد را «بیع امان» (امان دادن) دانسته اند و به خاطر نامعلوم بودن محل عقد، باطل دانسته اند (علوان، ۱۴۱۶ ه. ق: ۳۶). استاد مصطفی الزرقاء نویسنده مصری در پاسخ به این شبهه، مستند به آیه ۳ سوره قریش، استدلال نموده اند که انسان در طول زندگی خویش و خانواده اش، همواره نیاز به امان و آرامش روانی دارد و سعی دارد که نهایت تلاش و کوشش خود را مبذول دارد تا این مهم حاصل گردد حتی اگر مجبور شود گرانها ترین چیزها را نیز در تحقق این مهم (امان و آرامش) فداء کند (الزرقاء، پیشین: ۵۲ و ۵۳. به نقل از: پرتوی زاده بنام و آیتی، پیشین: ۶۸). در نهایت امر، عده ای از فقهاء و به تبع آنان بعضی نویسندگان حقوقی بر این نظر استوارند که بیمه عمر از مصادیق عقود معلق بوده و چنین اموری قطعاً باطل اند (حسینی مراغی، بی تا، ج ۲: ۲۰۴ و گرجی، بی تا، ج ۱: ۳۱) استدلال اینان نیز چنین است که «تعهد بیمه گر (پرداخت کننده خسارت) موکول به حدوث خطر و خسارتی است که ممکن است حادث گردد یا خیر» یعنی آن را منوط به فوت بیمه گذار کرده است در حالی که واقعاً معلوم نیست بیمه گذار چه موقع فوت می کند و یا در حوادثی که ممکن است هیچگاه به وقوع نپیوندد و بیمه گذار در زمانی طولانی به مرگ طبیعی از دنیا برود که در تمام اینها، «تعلیق» مشهود است که البته گروهی دیگر از فقهاء چنین دیدگاهی را نپذیرفته و رأی به رد آن داده اند (سیدمحسن حکیم، بی تا، ج ۱: ۱۰۸ و ۱۰۹). در عالم تشیع، اندیشه فقهاء در قبال مشروعیت «بیمه عمر» به دو گروه مخالف که اقلیت هستند و موافق که اکثریت را تشکیل می دهند، می باشند که نظر قالب و مشهور که به تأیید و پذیرش بیمه عمر (صرفنظر از ماهیت فقهی و حقوقی آن از حیث شناسایی آن در ردیف عقود معین و معهوده یا قراردادهای نوین و غیرمعین) انجامیده، نظر قاطب مراجع تقلید و فقهای است که گروه دوم یعنی موافقین خواهد بود. اینان (این گروه از فقهاء) به نه دلیل (ادله استنادی) رأی به شناسایی و مشروعیت «بیمه عمر» داده اند؛ ۱. آیه شریفه «أوفوا بالعقود...»، ۲. عرف عقلاء، ۳. تطبیق با تعاون و



بیمه عمر که در حال حاضر، دارای گونه های متعددی شده است (بیمه عمر در صورت حیات، بیمه عمر در صورت وفات و بیمه عمر مختلط)، امروزه از آن حالت شناخته و محصور خویش خارج شده و درصد قابل توجهی از فروش شرکتهای بیمه به افراد ذینفع قرارداد بیمه که «بیمه گذار» نامیده می شوند (ماده ۱ قانون بیمه)<sup>۳</sup> را در بر گرفته است.

این نوع بیمه ها که در متون حقوقی (با تاسی از فقه امامیه) توانسته است جایگاه مشخصی را به عنوان یک عقد مستقل و تابع قواعد عمومی قراردادها پیدا نماید، به عنوان عقدی مشروع و قابل پذیرش در جامعه اسلامی معرفی شود. با این وجود، همواره این پرسش در میان است که «بیمه عمر» آیا به واقع می تواند مصداق «تعهد به فعل ثالث» باشد؟ (مستند به ماده ۲۳۱ قانون مدنی و استفاده از ماده ۱۹۶ همان قانون).<sup>۴</sup> در پاسخ به این پرسش، ناگزیر می بایست ابتدا بیمه عمر را تحلیل نموده، سپس به ماهیت حقوقی آن در انطباق با عقود مشابه که مورد تصریح فقهای امامیه و حقوقدانان ایرانی قرار گرفته است پرداخته و در نهایت با تطبیق مسأله با تأسیس حقوقی «تعهد به نفع ثالث» به پرسش مزبور، پاسخ مبسوط داده شود.

## ۲- تعریف، پیشینه و گونه شناسی «بیمه عمر»

مطابق عموماً کلی بیمه (مستند به قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶)، بیمه عقدیست (لفظ «عقد»، مصرح در ماده ۲) کتبی، دو طرفه، معوض (ماده ۱) و تابع قواعد عمومی قراردادها (مواد ۱۹۶، ۲۱۷ و ۲۱۱ قانون مدنی، نظر فقهای همچون علامه حلی، شهید ثانی و شیخ محمدحسن نجفی و مواد ۱۲، ۲۳ و ۳۱ قانون بیمه)؛ «بیمه عمر» نیز از قواعد عمومی مربوط تبعیت کرده منتها در مفهوم کلی، با تعریف ارائه شده از عقد بیمه که توسط قانونگذار (در ماده ۱ قانون بیمه) ارائه شده است،<sup>۵</sup> دارای تفاوتی

تکافل، ۴. تطبیق با صلح، ۵. تطبیق با ضمان، ۶. تطبیق با اجاره، ۷. تطبیق با مضاربه و ۹. اصل صحت در عقود. (جهت کسب اطلاع تفصیلی در باب این دلایل، ر.ک. به: پرتوی زاده بنام و آیتی، پیشین: ۷۲ تا ۷۱).

<sup>۳</sup> البته در این ماده قانونی، «بیمه گذار» شخص پرداخت کننده «حق بیمه» (وجه) به «بیمه گر» تعریف شده است، اما قدر مسلم آن است که «بیمه گذار»، ذینفع مستقیم قرارداد بیمه است چه آنکه در ماده (۲۵) همین قانون، در باب «بیمه عمر»، قانونگذار از لفظ «ذینفع» در سند بیمه استفاده کرده است که نشان از ذینفع بودن طرف مقابل بیمه گر در قرارداد بیمه است.

<sup>۴</sup> با این مشخصه که این ماده، بر طرح و پیش بینی اصلی به نام «اصل نسبی بودن قراردادها» (در مقابل «اصل شخصی بودن قراردادها») صحه و نکیه نموده اند. مفهوم این اصل، آنست که نتیجه قراردادها می تواند اشخاص خارج را نیز در بر گیرد. البته این خصیصه برای زمانی است که حقی، مال یا عملی برای اشخاص ثالث خارج از قرارداد، ضمن عقد اصلی پیش بینی شده است که در اصطلاح می گویند: «درج شرط ضمن عقد». جهت آشنایی تفصیلی با شروط ضمن عقد (از حیث اعتبار و فساد)، رجوع کنید به: حمید، کامل و مظلوم رهنی، علیرضا، (۱۴۰۰)، «شرایط صحت شروط ضمن عقد از منظر شیخ مرتضی انصاری و تطبیق آنها با قانون مدنی و نظرات حقوقدانان برجسته کشور»، ارائه شده در پنجمین کنفرانس بین المللی علوم اسلامی، پژوهش های دینی و حقوق، کد COI مقاله:

RELIGI05\_088

<sup>۵</sup> جهت کسب اطلاع و مطالعه تفصیلی در خصوص شرایط عمومی و اختصاصی انعقاد قرارداد بیمه عمر، رجوع کنید به: امین فرد، محمد و زردرنگ کشکی، حکیمه، (زمستان ۱۳۹۲)، «تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت قرارداد بیمه عمر و ادله مشروعیت آن»، پژوهشنامه بیمه، سال بیست و هشتم، شماره ۴، صص ۱۵۸ تا ۱۶۱. همچنین، ر.ک. به: موسوی بجنوردی، سیدمحمد و سمیعی زفرقندی، زهرا، (۱۳۹۰)، «تحلیل ماهیت و انواع قرارداد بیمه عمر با رویکرد بر نظر امام خمینی (س)».



است که میان این نوع بیمه و سایر گونه های آن، تمایز ایجاد کرده است که البته در اساس مفهوم بیمه، تغییری ایجاد نکرده است، اما در نتیجه این قرارداد، وجه افتراق کلی وجود دارد و آن فوت یا حیات بیمه گذار است که وصف اساسی تعریف قابل ارائه از «بیمه عمر» خواهد بود.<sup>۶</sup> بر این اساس، در این مقاله ابتدا لازم است تعریفی جامع از بیمه عمر ارائه گردد و پس از آن، جهت شناخت بهتر این نهاد حقوقی، به ذکر پیشینه و پس از آن، اقسام بیمه عمر بررسی شوند که در این مبحث به نحو مختصر به آن اشاره خواهد شد.

## ۲-۱- تعریف «بیمه عمر»

آنچه که مسلم خواهد بود این نکته است که «بیمه عمر» مانند سایر اقسام کلی تقسیم بندی عقد بیمه (اشخاص و اموال)، قرارداد (در معنای اخص) بوده و تابع تعریف کلی عقد بیمه (مطابق ماده ۱ قانون بیمه) خواهد بود<sup>۷</sup> با این وجه افتراق که بیمه گر، متعهد می شود در قبال دریافت «حق بیمه»، مبلغی را در صورت فوت بیمه شده (بیمه گذار) یا زنده ماندن وی، در زمان معین، نسبت به پرداخت سرمایه یا مستمری به خود بیمه گذار یا اشخاص ثالث (کسان و وابستگان وی) پرداخت نماید. از این تعریف، می توان ماهیت حقوقی «تعهد به نفع ثالث» در خصوص «بیمه عمر» را که در مطالب بعدی تشریح خواهیم نمود، افاده می گردد.<sup>۸</sup> از جمله، نویسندگانی که قائل به این تعریف بوده اند می توان به استاد آیت کریمی، حقوقدان صاحب نظر در حقوق بیمه، می توان اشاره نمود.<sup>۹</sup> همچنین، در جای دیگری به تعریفی یکسان با این تعریف بر می خوریم که دقیقاً همین معنای اخیر را افاده می کند با این تفاوت که در آن، علاوه بر بیمه شده از واژه «یا استفاده کننده» آمده است به این معنا که مبلغ تعیین توسط بیمه گر - در توافق قبلی با بیمه گذار - به بیمه شده یا استفاده کننده تعیین شده از سوی او پرداخته شود که پیش از آن، توسط

پژوهشنامه متین، شماره ۵۲، صص ۲۸ تا ۳۴ و محمود صالحی، جان علی، (۱۳۸۱)، «حقوق بیمه»، چاپ اول، تهران، نشر بیمه مرکزی ایران و مشاوره، همایون، (۱۳۵۳)، «مبانی و اصول حقوقی بیمه»، چاپ دوم، تهران، نشر مدرسه عالی بیمه.

<sup>۶</sup> - به عنوان شاهد حال، رجوع کنید به: کریمی، آیت، (۱۳۸۷)، «کلیات بیمه»، چاپ دوازدهم، تهران، نشر پژوهشکده بیمه.

<sup>۷</sup> - البته مطابق ماده (۱) قانون بیمه، «بیمه» در معنای کلی تعریف شده است و اختصاص به حالت خاصی (عمر یا غیر آن) ندارد.

<sup>۸</sup> - البته باید اضافه نمود که در خصوص «بیمه عمر» از حیث ماهیت حقوقی و نوعیت آن، میان حقوقدانان اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد که در نهایت، به نظر می رسد سبب آن شده است که بیمه عمر را یک قرارداد مستقل و با ماهیتی کاملاً جدا و متمایز با دیگر عقود (معین و معهود در حقوق اسلامی) به شمار آورده اند تا بدین سبب به تشتت میان حقوقدانان خاتمه داده شود، چرا که هر یک از نویسندگان حقوقی - به تبع فقههای پیش از خود - به ماهیتی موافق با یکی از عقود معین و معهود پرداخته اند (عقودی همچون بیع، ضمان، مضاربه، جعاله، صلح، هبه معوض و فروضی چون تعاون و إحسان «عمل پسندیده») که البته عده ای از فقهاء خصوصاً فقهای اهل سنت، نه فقط به ماهیتی مستقل و مورد قبول برای «بیمه عمر» اشاره نکرده اند، بلکه آن را توافقی فاسد (باطل) و غیر صحیح دانسته اند که شرح کلی آن پیش از این (در قسمت ۱) به اختصار گذشت. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص، ر.ک. به: پرتوی زاده بنام، رضا و آیتی، سیدمحمد رضا، (پاییز ۱۳۹۱)، «بیمه عمر از منظر فقه و حقوق اسلامی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ششم، شماره بیست و دوم، صص ۵۴ تا ۷۲.

<sup>۹</sup> - ر.ک. به: کتاب «کلیات بیمه» ایشان. همچنین، نک. به: امین فرد، محمد و زردرنگ کشکی، حکیمه، (زمستان ۱۳۹۲)، «تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت قرارداد بیمه عمر و ادله مشروعیت آن»، پژوهشنامه بیمه، سال بیست و هشتم، شماره ۴، شماره مسلسل ۱۱۲، صص ۱۵۶.



بیمه گذار به عنوان ذینفع بیمه عمر معرفی شده است (نک. به: محمودصالحی، ۱۳۸۱: ۱۷۹). مطابق این تعریف، ارکان قرارداد بیمه عمر را می توان: «بیمه گر»، «بیمه گذار»، «بیمه شده» و «استفاده کننده یا ذینفع» به شمار آورد که هر کدام از این ارکان، شرط تحقق بیمه عمر و نتایج حاصل از آن خواهند بود.<sup>۱۰</sup>

## ۲-۲- پیشینه «بیمه عمر»

پیشینه تاریخی پیدایش بیمه های عمر را باید در ظهور بیمه های اشخاص (به طور کلی) منتسب دانست. با وجود آنکه گفته شده است که بیمه های اشخاص دارای پیشینه ای دور و دراز هستند اما به نظر می رسد به طور دقیق این پیشینه معلوم نیست در کجا و در چه زمانی بنحو معلوم و مشخص باشد (موسوی بجنوردی و سمیعی زفرقندی، ۱۳۹۰: ۱۶). ولی به نظر می رسد نخستین شکل از بیمه های عمر مربوط به خطرات منجر به فوت (مرگ) انسانها و متعلق به قرن پانزدهم میلادی باشد که در انگلستان، فردی به نام «گینس» با پرداخت حق بیمه به جمعی از بازرگانان انگلیسی (در لندن) خود را برای مدت یکسال و با نرخ ۸ درصد بیمه عمر نمود. بعد از مدتی و در همان زمان (یعنی در زمان اعتبار قرارداد بیمه عمر)، «گینس» فوت نمود که با کشمکش های فراوان، افراد ذینفع توانستند سرمایه فوت را از بیمه گران یعنی بازرگانان لندن اخذ نمایند. این رویداد، بعدها توسط «بلز پاسکال» ریاضیدان فرانسوی در سال ۱۶۵۴ میلادی، به صورت عملی منجر به طرح محاسبات و جدول بیمه عمر شد (همان). در ایران، در مقایسه با کشورهای غربی پیشگام در صنعت بیمه مانند انگلستان، فرانسه و ایالات متحده امریکا که از قرنهای قبل چنین گونه ای از بیمه ها را داشتند، برای نخستین بار در سال ۱۳۱۲ شمسی توسط شرکتی به نام «ویکتوریا دوبرلین» بنا نهاده شد که در ظرف سه سال اول فعالیت خویش (یعنی تا سال ۱۳۱۵) توانست ۱۵۰ بیمه نا عمر صادر و به فروش برساند (همان).<sup>۱۱</sup> بعدها، با رواج صنعت بیمه به شکل حرفه ای در کشور و با اشاعه فرهنگ چنین بیمه نامه هایی، یعنی از سال ۱۳۴۸،

<sup>۱۰</sup> - جهت شناخت جامع از این ارکان، رجوع کنید به مآخذ ذیل:

- موسوی بجنوردی، سیدمحمد و سمیعی زفرقندی، زهرا، (۱۳۹۰)، «تحلیل ماهیت و انواع قرارداد بیمه عمر با رویکرد بر نظر امام خمینی (س)»، پژوهشنامه متین، شماره ۵۲، صص ۱۷ و ۱۸.

<sup>۱۱</sup> - البته اولین جرقه ای رواج بیمه در ایران، به سال ها قبل یعنی به سال ۱۲۸۹ بر می گردد اما در این برهه هیچگونه شرکت بیمه ایرانی در کشور فعالیت نمی گردد و تنها شرکتهای خارجی همچون «ایگل استار»، «یورکشایر»، «گسترخ» و «رویال» در ایران کار می کردند که از کشورهای روسیه، اتریش، انگلستان و اتریش بودند. بعدها و از سال ۱۳۱۰ با تدوین و تصویب قانون بیمه (مصوب ۱۳۱۱) و به طور عملی از سال ۱۳۱۴ که بیمه ایران فعالیت خویش را رسماً و با سرمایه اولیه ۲۰ میلیون ریال آغاز کرد، صنعت بیمه در کشور وارد مرحله جدیدی از حیات خویش شد. البته تا سالها پس از تأسیس بیمه ایران، فروش بیمه های عمر با استقبال چندانی از سوی مردم مواجه نبود و تمرکز بیشتر روی بیمه های اموال بود تا اشخاص؛ اما رفته رفته با شناخت مزایای مالی این بیمه ها و آشنایی مردم با فرهنگ بیمه، خصوصاً در کشورهای اروپایی (مانند فرانسه، سوئیس، بلژیک و بعدها در انگلستان، آمریکا و روسیه)، تقاضا برای خرید بیمه های عمر با آمارهای رو به تزاید گرایید هر چند همانگونه که گفته شد، این آمارها در مقایسه با کشورهای پیشگام بسیار ناچیز بود. در سال ۱۳۵۰ با تدوین و تصویب قانون بیمه مرکزی (ایران) و اجرایی شدن آن، سطح تقاضاها برای خرید بیمه من جمله بیمه های عمر بیشتر و بیشتر شد.



در سراسر ایران، آمارها حکایت از خرید بیمه عمر به تعداد ۵۰ هزار نفر بود که البته در مقایسه با کشورهای غربی، این رقم بسیار ناچیز تلقی می‌شد.<sup>۱۲</sup> بعضی از نویسندگان صاحب‌نظر در صنعت بیمه، بر این عقیده استوار بودند که دلیل این آمارهای پایین از خرید بیمه‌های عمر به جهت فقر یا وضعیت مالی نامساعد نبوده است و علل آن را می‌توان در عدم فرهنگ سازی و تبلیغات گسترده توسط بانکها و شرکتهای بیمه و همچنین، عدم اطلاع مردم از مزایای مالی آن بوده است که مردم از آن بی‌خبر بودند (شیبانی، ۱۳۵۲: ۲۱۳). همچنین، نویسنده ای دیگر، کمبودهای مهارتی و تخصصی شرکتهای بیمه از جمله تورم پولی و گرانی هزینه‌های زندگی را از عوامل موانع ساختاری بیمه عمر در کشورمان دانسته است (محمودصالحی، ۱۳۸۱: ۱۶۶).

### ۲-۳- گونه شناسی «بیمه عمر»

نویسندگان حقوق بیمه، بعضاً از بیمه‌های عمر، گونه‌های متعددی نام برده‌اند. به عنوان مثال، نویسنده ای، اقسام قراردادهای بیمه عمر را به دو گروه کلی «بیمه‌های عمر انفرادی» و «بیمه عمر گروهی» تقسیم‌بندی نموده است و گروه اول را نیز شامل بیمه عمر به شرط فوت، بیمه عمر به شرط حیات و بیمه عمر مختلط (ترکیبی از فوت و حیات بیمه‌گذار) دانسته است (نک. به: سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۳۹۸: ۱۲۴ و ۱۲۵) و نویسنده ای دیگر، بیمه‌های عمر را در دو گروه «بیمه عمر تأمین خطر فوت» و «بیمه عمر در صورت» حیات تقسیم‌بندی نموده است و از تلفیق این دو، ترکیبی گسترده‌تر به نام «بیمه عمر آمیخته» استخراج نموده است (موسوی بجنوردی و سیعی زفرقندی، پیشین: ۱۸). همچنین، برای بیمه عمر در صورت فوت نیز زیرشاخه‌هایی در

---

این رویه تا انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ شمسی ادامه داشت که البته با ادغام شرکتهای خصوصی ارائه‌کننده بیمه از جمله بیمه‌های عمر، ملی اعلام شدند ولی از قضا، به جهت مسائل فقهی که توسط فقهای آن موقع (بدو انقلاب) اعلام گردید، فروش بیمه‌های عمر، ممنوع اعلام گردید؛ ممکن است شرایط جنگی کشور و خطراتی که برای شرکتهای نوپای بیمه (ادغام شده یا ملی شده) وجود داشته و بیم‌ضررهای هنگفت آنها نیز می‌رفت، منجر به اتخاذ چنین رویکردی شد. این رویه دقیقاً تا ۱۳۶۷ ادامه داشت که پس از آن تا سال ۱۳۷۳، مواضع فقهی کمی از وضعیت قبلی خارج و وارد مرحله تازه‌ای شد که البته برای رونق صنعت بیمه (من جمله بیمه‌های عمر) اوضاع، جدید جلوه می‌کرد.

نهایتاً، از دهه هشتاد به این سو بود که شرکتهای بیمه ضمن برخورداری از یک رشد نسبی، توانستند بیمه‌های عمر را نیز در قالب‌های امروزی به مردم عرضه کنند و اتفاقاً این بار، برخلاف ادوار گذشته، حجم تقاضاها درخور و مناسب اعلام گردید. واضح است که «فروش بیمه‌های عمر» در کشور چندین دوره ناهمسان را در این حدود هشت دهه پشت سر گذرانده است که اینها همه حکایت از عدم شناخت کلی مردم از بیمه‌های عمر و البته ایفای تعهداتی است که شرکتهای بیمه در قبال خریداران بیمه عمر (بیمه‌گذاران و ذینفعان بیمه عمر) اتخاذ نموده‌اند. جهت اثبات این ادعا، پیشنهاد می‌گردد به مطلبی با عنوان: «پشت پرده ناراضی‌های مردم از بیمه‌ها» نوشته دانیال محسنی، مندرج در وبسایت ریسک‌نیوز مراجعه شود. (تاریخ نشر خبر: ۱ آذر ۱۳۹۵، کد خبر: ۱۰۵۹۲۹). همچنین، ر.ک. به: «مهم‌ترین دلایل ناراضی‌های مردم از بیمه‌ها»، مندرج در وبسایت «نیوز زر»، بی‌تا. و تحقیقی میدانی با عنوان: «ناراضی‌های مردم از خسارت‌پرداختی شرکتهای بیمه»، منتشر گردیده در پایگاه خبری «تابناک»، تاریخ انتشار: ۲۸ شهریور ۱۳۹۵، کد خبر: ۶۲۳۷۰۰.

<sup>۱۲</sup> - به عنوان مثال، این آمار نه فقط با کشورهای غربی قابل قیاس نبود، بلکه حتی با کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته‌ای مانند هندوستان که درآمد سرانه اش از ایران آن زمان خیلی پایین‌تر بود، ۱۴ میلیون نفر بیمه عمر داشتند! نک. به: همان مأخذ، ص ۱۶.



نظر گرفته شده است که شامل بیمه عمر زمانی (موقت)، بیمه تمام عمر (کامل) و بیمه عمر مانده بدهکار می باشند (همان: ۱۹) و برای آمیخته دو گروه اصلی بیمه های عمر (شامل بیمه های عمر فوت و حیات)، نه شاخه فرعی پنداشته اند که شامل بیمه مختلط عادی، بیمه مختلط با مدت معین، بیمه عمر سرمایه فرزندان، بیمه عمر توده مردم، بیمه ازدواج، بیمه تولد فرزند، بیمه جهیزیه، بیمه مهریه و بیمه بازنشستگی می باشند (همان: ۲۰ تا ۲۲). به اعتقاد ما، تقسیم بندی اول، با توجه به نیاز جامعه و آنچه در عمل شاهد آن هستیم، صائب تر و مقبول تر باشد. بدین ترتیب، بیمه های عمر را می بایست در سه گروه کلی «بیمه عمر در صورت حیات»، «بیمه عمر در صورت وفات» و «بیمه عمر مختلط» طبقه بندی نمود.

در گروه اول (بیمه عمر در صورت حیات)، قرارداد بر پرداخت سرمایه از سوی بیمه گر (شرکت بیمه) به زنده مانده بیمه شده (بیمه گذار) مبتنی خواهد بود که بر پایه مدت زمان مشخصی استوار است که البته این قراردادها دارای تقسیماتی بدین شرح هستند: «بیمه عمر در صورت حیات با استرداد بیمه و بدون استرداد حق بیمه»، «بیمه مستمری فوری موقت»، «بیمه مستمری فوری مادام العمر»، «بیمه مستمری با حق بیمه یکجا»، «بیمه مستمری با حق بیمه اقساطی»، «بیمه مستمری آخرین بازمانده» و «بیمه مستمری یک نفره».<sup>۱۳</sup>

در بیمه های گروه دوم (بیمه عمر در صورت وفات) که مشهورترین نوع بیمه های عمر مرسوم و رایج در جامعه نیز می باشند، قراردادهای آنها مبتنی بر پرداخت سرمایه بیمه ای، توسط بیمه گر در مدت زمانی که قبلاً مشخص شده است، در صورت فوت بیمه گذار در همان مدت؛ یعنی شرکت پرداخت سرمایه بیمه ای، فوت بیمه گذار در همان مدت اعتبار قرارداد بیمه است (امین فرد و زردرنگ کشکی، پیشین: ۱۵۷) این قراردادها نیز مانند گروه قبلی دارای مصادیق متعددی هستند که اهم آنها بدین شرح گفته اند: «بیمه عمر موقت که شامل بیمه عمر زمانی نیز می شود»، «بیمه تمام عمر که شامل بیمه تمام عمر تأخیری خطر فوت و بیمه تمام عمر به نفع استفاده کننده معین است»، «بیمه عمر با سرمایه نزولی»، «بیمه عمر با سرمایه صعودی»، «بیمه عمر کودکان» و «بیمه عمر پنج ساله تکراری» (همان).<sup>۱۴</sup>

نهایت آنکه، در بیمه های عمر گروه سوم (بیمه عمر مختلط)، شرط فوت و حیات بیمه گذار (خریدار بیمه) به صورت توأمان وجود دارد. در این نوع بیمه ها، خطر فوت و نیز احتمال زنده ماندن بیمه شده، به طور هم زمان، مورد حمایت بیمه ای قرار می گیرد و در واقع، بیمه گر، بر حسب شرایط، به تعهد خویش که پرداخت سرمایه بیمه ای است، در مورد هر یک از رویدادها، ریسک (خطر) را می پذیرد. این نوع قراردادها نیز مانند دو گروه پیشین دارای اقسامی هستند که رئوس آن را بدین نحو ذکر

<sup>۱۳</sup> - جهت شناخت بهتر هر کدام از این نوع قراردادهای بیمه عمر، رجوع کنید به: جوهریان، محمدولی، (۱۳۷۳)، «بیمه عمر»، چاپ اول، تهران، نشر شرکت سهامی بیمه ایران؛ اوپر، ژان لوک، (۱۳۷۸)، «بیمه عمر و سایر بیمه های اشخاص»، ترجمه جان علی محمودصالحی، چاپ دوم، تهران، نشر شرکت بیمه مرکزی و کریمی، آیت، (۱۳۸۷)، «کلیات بیمه»، چاپ دوازدهم، تهران، نشر پژوهشکده بیمه.

<sup>۱۴</sup> - جهت مطالعه تفصیلی در خصوص هر کدام از اقسام مزبور، رجوع کنید به همان مراجع.





نموده اند: «بیمه عمر مختلط عادی یا پس انداز»، «بیمه عمر مختلط دو برابر سرمایه در صورت حیات»، «بیمه عمر خانوادگی»، «بیمه عمر موعود ثابت» و «بیمه عمر مختلط دو برابر سرمایه فوت».<sup>۱۵</sup>

### ۳- تطبیق بیمه عمر با عقود معین «مشابه» (ماهیت شناسی بیمه عمر)

همانگونه که پیش از این بحث شد، در ماهیت حقوقی «بیمه عمر» میان نویسندگان حقوقی اتفاق نظری وجود نداشت. شاید علت این امر نیز اختلاف نظرهایی بوده است که میان فقهاء (اعم از شیعه و سنی) وجود داشته است (صرفنظر از عقیده فقہایی که حکم به بطلان قرارداد بیمه عمر داده اند). با این وجود، در کتب و منابع فقہی و حقوقی، نظرات وجود دارد که بیمه عمر را منطبق با یکی از عقود معین و معهود اسلامی دانسته اند که البته هر نظر نیز خالی از اشکال نبوده است؛ به عنوان نمونه، بعضی از فقهاء، رأی به مضاربه بودن «بیمه عمر» داده اند، گروهی آن را مصداق عقد صلح دانسته اند، گروهی آن را نوعی هبه (البته بنحو معوض) دانسته اند، گروهی آن را جعاله، گروهی دیگر آن را بیع و گورهی دیگر، «تعهد به نفع ثالث» دانسته اند. صرفنظر از آنکه، «قرارداد بیمه عمر» (قرارداد در معنای اعم که شامل عقد نیز می شود)، ماهیتاً با کدام یک از عقود معین (اسلامی) مترادف است و کدام نظریه در خصوص آن صادق خواهد بود، ضمن احترام بخ نظرات فقهاء (امامیه و عامه) و نویسندگان حقوقی (اصولاً صاحب نظر)، به اعتقاد ما بیمه عمر مشمول و همسان هیچ یک از عقود معین و معهود اسلامی نبوده و در مقام و جایگاه خویش - با توجه به آثار و شرایط ماهوی آن از حیث نتایج حقوقی - می تواند مستقلاً عقدی با کیفیات و ماهیت خاص به خود باشد، هر چند که با بعضی از عقود مذکور دارای اشتراکاتی نیز باشد.

جهت روشن شدن این موضوع و این مسأله که آیا بیمه عمر می تواند مصداق «تعهد به نفع ثالث» به عنوان نزدیکترین نظریه به ترادف معنایی با «قرارداد بیمه عمر» باشد یا خیر؟ اگر هست پس دلیل این همه اختلاف نظر چیست و اگر نیست، پس، دلیل طرح این ادعا که «قرارداد بیمه عمر»، مصداقاً «تعهد به نفع ثالث» است از کجا نشأت گرفته است؟

### ۳-۱- تطبیق بیمه عمر با عقد صلح

یکی از دلایلی که فقهای اسلام (اعم از امامیه و عامه) بر صحت بیمه عمر فتوا داده اند، قابل انطباق بودن این قراردادها با عقد صلح است (پرتوی زاده بنام و آیتی، پیشین: ۷۵). شاید علت آنکه ایشان بر انطباق بیمه عمر با عقد صلح داده اند اینست که صلح در مقام رفع هرگونه تنازع و تشاجر و حل دعاوی از طریق سازش و مسالمت است و هرگاه در میان خویش با اختلافی مواجه گشتند بنحوی که راهکار مسالمت آمیزی پیدا نکردند، حکم به «صلح» خواهند داد؛ استناد این گروه از فقهاء نیز غالباً مبتنی بر روایات دینی بوده است. به عنوان نمونه به حدیث «الصلح جایز بین الناس» از امام جعفر صادق (ع) اشاره می کنند که از مرحوم کلینی روایت شده است و یا حدیثی دیگر با عنوان: «الصلح جائز بین المسلمین الا صلحاً أحلّ حراماً او حرماً حلالاً» از پیام اکرم (ص) است که مرحوم صدوق (رضی الله عنه) در روایت مرسله ای بیان داشته است (حرعاملی، ج ۱۳: باب ۳) که

<sup>۱۵</sup> - جهت مطالعه تفصیلی در خصوص هر کدام از اقسام مزبور، رجوع کنید به همان مراجع.



البته این روایت، مورد موافقت و مقبولیت تمام فقهای اسلام قرار گرفته است. همچنین، استناد ایشان به آیه (۱۷۴) سوره نساء است که صلح را خیر معرفی کرده است (و الصلحُ خیر). از جمله دیگر دلایلی که فقهاء، این نوع قراردادها را مشمول عقد صلح دانسته اند، استقلال کامل عقد صلح از سایر عقود معین و معهود است بنحوی که تمام عقود (در موقع تنازع و تشاجر) می توانند منجر به صلح و روی آوردن به آن شوند در حالی که عقد صلح، تابع هیچ عقدی نیست (پرتوی زاده بنام و آیتی، پیشین: ۷۶). این نظریه، در میان حقوقدانان ما نیز طرفدارانی دارد؛ به عنوان نمونه مرحوم ابوالقاسم گرگی، قائل به صلح بودن بیمه عمر دانسته است (گرگی، ج ۱: ۳۰) با این تشریح که طرفین قرارداد بیمه عمر، صلح می کنند که یکی از آن دو (بیمه گر و بیمه گذار)، خسارتی را به طرف دیگر پرداخت نماید.

از سویی نیز، بیمه گر، آن را قبول کرده و در نتیجه تمام ارکان عقد صلح در اینجا فراهم خواهد بود و در هر حال، آن را نوعی عقد صلح مشروط دانسته است که «تحمل خسارت» را شرط وصف می داند (پرتوی زاده بنام و آیتی، پیشین: ۷۶). در اینکه، دین مبین اسلام، تمام اقسام صلح ها و مصالح (خیر الامور) را جایز و روا دانسته و همواره بر آن تأکید نموده است، به اعتقاد ما، بیمه عمر نمی تواند مصداق عقد صلح باشد چرا که طرفین بیمه عمر، در مقام انشاء عقد، بر مصالح نظر نداشته اند و همواره عقدی دیگر را در ذهن داشته اند؛ مثلاً هرگاه از بیمه گر پرسیده شود آیا در این قرارداد، با خریدار بیمه (بیمه گذار) در مقام صلح برآمدید؟ ایشان بلافاصله پاسخ می دهد خیر به وی بیمه فروختم و این خود نشان از عقدی دیگر است (عقد بیع) یا اگر از بیمه گذار این پرسش طرح شود، ایشان نیز نظری مخالف نظرات پیشین فقهی خواهد داشت هر چند که به اعتقاد بعضی از فقهاء (علامه حلی «۱۴۱۵ ه. ق.»، امام خمینی «بی تا» و مرحوم سبزواری «۱۴۱۳ ه. ق.») می توان قراردادهای بیمه عمر را در قالب عقد صلح منعقد نمود و برای آن نیز ماهیتی مستقل (عقد استقلال یافته) در نظر گرفت که این نظر، می تواند صائب تر باشد (نک. به: امین فرد و زردرنگ کوشکی، پیشین: ۱۶۴).

### ۳-۲- تطبیق بیمه عمر با عقد هبّه

بعضی از فقهای اسلام، خصوصاً فقهای امامیه (مانند شیخ خویی «۱۳۹۰ ه. ق.» و زین الدین «۱۴۱۳ ه. ق.» و امام خمینی «۱۳۷۶ ه. ق.») قائل به آنند که بیمه عمر می تواند مصداقی از «هبّه» باشد هر چند که نظرات دیگری را نیز مطرح نموده اند. اینان، معتقدند در قراردادهای بیمه عمر، بیمه گذار به عنوان «واهب»، مبالغی را به صورت اقساط یا به صورت یکجا (که مصداق مال موهوبه پنداشته اند)، به بیمه گر، به عنوان «متّهب» پرداخت می کند و در ضمن عقد «هبّه»، شرط می کند (منظور بیمه گذار است) که اگر تا تاریخ معین (در زمان اعتبار قرارداد)، زنده بماند (در قراردادهای بیمه عمر به شرط حیات)، یا فوت کند (در قراردادهای بیمه عمر به شرط وفات) یا در هر دو صورت (قراردادهای مختل بیمه عمر)، بیمه گر (که در واقع، متّهب بوده است)، مبلغی را به عنوان عوض به بیمه گذار یا ذی نفع (ذی نفعان) معین شده در ضمن عقد (هبّه) پرداخت کند (نک. به: امین فرد و زردرنگ کوشکی، پیشین: ۱۶۵). در حقوق ما، بعضی نویسندگان، این نظر را پذیرفته اند (همان) و قائل بر آنند که بیمه



عمر بیش از هر عقد دیگری، با عقد هبه معوض (مطابق آنچه بیان گردید) شباهت دارد و استدلال آنان نیز این است که در سایر اقسام بیمه (قراردادهای غیر از بیمه عمر)، به دلیل لازم بودن عقد بیمه، برای بیمه گذار حق فسخ وجود ندارد و بر این اساس، امکان رجوع وی به مبالغ پرداختی نخواهد بود، اما در خصوص بیمه عمر چنین نیست و بیمه گذار قبل از دریافت نفع بیمه ای (سرمایه) می تواند این عقد را فسخ نماید و از این حیث با عقد هبه (جر در موارد استثنایی) تطبیق داد. با این وجود، بعضی نویسندگان، این نظر را نپذیرفته و قائل بر آنند که میان بیمه عمر و عقد هبه (معوض) تفاوتهای آشکاری وجود دارد که در همل و غایت بحث، محملی صحیح بر آن مترتب نخواهد بود؛ به عنوان نمونه، گفته شده است در عقد هبه (معوض)، تلازمی میان دریافت مال موهوبه (اقساط) و پرداخت عوض (سرمایه بیمه ای) از سوی متهب وجود ندارد، در حالی که در قراردادهای بیمه عمر، با پرداخت اولین قسط توسط بیمه گذار، در صورت وقوع خطر (مورد توافق در ضمن عقد)، بیمه گر (متهب به تعبیر فقهای پیش گفته)، ملزم به پرداخت نفع بیمه ای به بیمه گذار یا وابستگان وی خواهد بود و این وضعیت با هبه بسیار متفاوت خواهد بود.<sup>۱۶</sup>

همچنین، گفته شده است آنچه که عرف (و طرفین قرارداد بیمه عمر) از قراردادهای مذکور دارند، چیزی غیر از «هبه» (اعم از معوض و غیر آن) است چرا که تملیک مجانی که وصف اساسی عقد هبه است در اینجا مصداق ندارد و پرداخت اقساط توسط بیمه گذار و ایفای تعهد قراردادی طرف مقابل، یعنی بیمه گر در پرداخت سرمایه یا نفع بیمه ای، حکایت از عقدی دیگر است که با هبه نمی تواند در تناسب باشد. هر چند که بعضی از فقهای امامیه (به شرح ابتدای سخن) حکم به پذیرش انعقاد قرارداد بیمه عمر (با رعایت استقلال کامل آن)، به «عقد هبه معوض» داده اند که به نظر ما، صائب آن است این دو عقد با هم خلط نشوند و بیمه عمر را ماهیتاً باید عقدی مستقل (شرح آن خواهد آمد) یا مستقل از عقد هبه معوض دانست.

### ۳-۳- تطبیق بیمه عمر با عقد مضاربه

از جمله عقود که بیشترین طرفداران را در میان فقهای اهل سنت در تشابه یا مصداق کامل بیمه عمر دارد، «عقد مضاربه» است.<sup>۱۷</sup> اما از سویی دیگر، بیشتر فقهای ما، نظر مخالف با نظر مزبور داشته اند و معتقدند که انطباق بیمه عمر با عقد مضاربه صحیح نیست چه آنکه بیمه گذاران در بیمه های بیمه، حق بیمه را به صورت یکجا یا اقساط به بیمه گر پرداخت می کنند و بیمه گر ضمن سرمایه گذاری در راههای مشروع، به هنگام پرداخت سرمایه یا نفع بیمه ای، سود حاصل را میان بیمه گذارانی که مستحق دریافت باشند تقسیم خواهند نمود و نه همه بیمه گذاران (سرمایه گذاران). بر این اساس، بیمه گر، مقداری از سود

<sup>۱۶</sup>- جهت کسب اطلاع و مطالعه بیشتر در این زمینه، رجوع کنید به: برهانیان، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، «بررسی مبانی بیمه در اسلام»، چاپ اول، قم، انتشارات زمزم هدایت، صص ۱۴۶ تا ۴۹۲.

<sup>۱۷</sup>- قابل ارجاع به مراجع ذیل (در باب تطبیق بیمه عمر با عقد مضاربه):

- توحیدی نیا، ابوالقاسم، (۱۳۸۱)، «تکافل و اهمیت توجه بیشتر به آن در ایران»، فصلنامه صنعت بیمه، سال بیست و دوم، شماره چهارم، صص ۱۰۷.  
- عرفانی، توفیق، (۱۳۸۱)، «قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران»، چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان، صص ۹۱ تا ۱۳۳.



حاصل را در حساب مخصوص به عنوان تبرع نزد خویش نگاه می دارد ک هاین با ذات عقد مضاربه در تعارض است (نک. به: امین فرد و زردرنگ کشکی، پیشین: ۱۶۲). علاوه بر این، ایرادات دیگری نیز وارد است که ما را بر آن خواهد داشت که نتوانیم بیمه عمر را مصداقی از عقد مضاربه فرض کرد؛ به عنوان نمونه: می دانیم که هدف اصلی از انعقاد عقد مضاربه، کسب سود برای طرفین با وصف «تجارت» است (شهید ثانی «۱۴۱۰ ه. ق.») در حالی که در بیمه عمر (خصوصاً در قراردادهای بیمه عمر مبتنی بر فوت بیمه گذار)، چه تجارت یا نفعی می توان برای فرد متوفای فرض کرد؟!

علاوه بر این، حتی در فرض بقاء وی (در فرضی که بیمه عمر برای زمان حیات وی باشد) آن نفع مادی که در مضاربه قابل انتظار و پیش بینی است، متصور نیست بلکه مبلغی معین و مشخص است که در قبال اقساط پرداختی وی، در حق ایشان تأدیبه خواهد شد. همچنین، عقد مضاربه از جمله عقود جائز و قابل فسخ در هر زمان قرار گرفته است (علامه حلی «۱۴۰۸ ه. ق.» و شیخ طوسی «۱۳۸۷ ه. ق.» و ماده ۵۵۰ قانون مدنی ایران)<sup>۱۸</sup> در حالی که در قراردادهای بیمه عمر، قرارداد نسبت به بیمه گذار جایز، اما برای بیمه گر لازم خواهد بود. بنابراین سخن، در عقد مضاربه، با فوت هر کدام از طرفین عقد، مضاربه منفسخ بوده در حالی که در بیمه های عمر، با فوت بیمه گذار، به نظر اصل لزوم تازه آغاز شده است چرا که تعهد اصلی بیمه گر، از اینجا به بعد است وصف ذاتی و اساسی خویش را که همانا پرداخت نفع بیمه ای (سرمایه) است آغاز می گردد. همچنین، مطابق ماده (۵۵۸) قانون مدنی ایران، در عقد مضاربه، تحمیل هر گونه پرداخت خسارت به مضارب را از مبطلات عقد مذکور به شمار آمده است در حالی که در قراردادهای بیمه عمر، بیمه گر مسئول پرداخت خسارات وارده به بیمه گذار خواهد بود که اوجه تمایز، به وضوح ثابت می کند تطبیق عقد مضاربه با بیمه عمر صحیح و مناسب نخواهد بود ضمن آن که، در عقد مضاربه، تجارت شرط اصلی عقد است (علامه حلی «۱۴۰۸ ه. ق.» و شیخ محمدحسن نجفی «بی تا») در حالی که در بیمه های عمر، در هیچ جای قرارداد، تصریح به تجارت نمی شود (مطابق عرف رایج و معمول قراردادهای بیمه) و بدین سخن، بیمه گر حق خواهد داشت در هر کاری سرمایه گذاری کند.

### ۳-۴- تطبیق بیمه عمر با عقد بیع

قائلین به این نظر که «بیمه عمر» منطبق با «عقد بیع» است، بر این عقیده استوارند که بیمه گر در قبال دریافت مبلغی (پول) به بیمه گذار (خریدار بیمه)، خدمتی را می فروشد در حالی که به انعقاد ما چنین تصویری نمی تواند صحیح باشد چه آنکه عوض و معوض در عقد بیع نمی توانند منطبق با عوضین قرارداد بیمه عمر که همانا پرداخت اقساط بیمه و پرداخت سرمایه (نفع بیمه ای) یکسان باشند. (مواد فصل اول از باب سوم قانون مدنی در بیان تعریف و احکام عقد بیع، به وضوح و به طریق آشکاری، مثبت ادعای ما خواهد بود). علاوه بر این، به نظر می رسد این تفکر (خصوصاً میان نویسندگان حقوقی) ناشی از آن باشد که عرف حقوق بیمه، طرفین از خرید و فروش سخن می گویند؛ یعنی بیمه گر (نماینده بیمه) از فروش بیمه و بیمه گذار، از خرید

<sup>۱۸</sup> - علاوه بر این، عقد مضاربه با اوصافی که ما از آن در قانون مدنی داریم (مواد ۵۴۶ تا ۵۴۹ به طور مشخص) نمی تواند منطبق با بیمه عمر باشد.



بیمه سخن می گوید که این سخن در خصوص بیمه های عمر نمی تواند صحیح باشد هر چند محتمل است که در سایر گونه های بیمه مانند بیمه های اموال، عرفاً، بتوانیم چنین نظری را با اغماض و تسامح بپذیریم. در فقه، ظاهر آنست که قائلین به این نظر، اقلیت هستند و گاهی نیز قائل به اجاره بودن بیمه عمر و گاهی نیز آن را ودیعه دانسته اند که به نظر می رسد هر گروه، با تصویری غلط از بیع دانستن بیمه عمر، به خطایی دیگر رفته اند (نک: به: پرتوی زاده بنام و آیتی، پیشین: ۷۷ تا ۷۹).<sup>۱۹</sup>

### ۳-۵- تطبیق بیمه عمر با عقد جعاله

یکی دیگر از نظرات مطرح شده در انطباق «قرارداد بیمه عمر» با عقود معین که بیشتر صبغه حقوقی دارد، منطبق دانستن این قراردادها با «عقد جعاله» می باشد. در این خصوص، گفته شده است: «به این دلیل که چون در طول مدت معین (مدت قرارداد)، بیمه گر (عامل معین)، خطر مورد بیمه را در صورت وقوع، در قابل مبلغ پرداخته شده (جعل) جبران می کند، لذا در این صورت، آنچه که حادث شده است، عقد جعاله خواهد بود». از میان حقوقدانان ما، آقای احمد جمالی در کتاب خویش به این نظر اصرار فراوان داشته است.<sup>۲۰</sup> شاید علت عمده این طرز تفکر ایشان، در «جعل» دانستن مبلغ یا مبالغی است که جاعل (بیمه گذار) در قابل کار معین - که به اعتقاد ما خدمت معین است - به عامل (بیمه گر) پرداخت و در نتیجه، از وی انتظار انجام عملی را خواهد داشت. به اعتقاد ما، این رویه، در تطابق با قواعد حاکم بر عقد جعاله (در قانون مدنی ایران) و متون فقهی که عقد جعاله از آن مستخرج است، نمی تواند منطبق باشد چه آنکه قانونگذار اسلامی ما در ماده (۶۵۶) قانون مدنی، عقد جعاله را عقدی جایز معرفی کرده است در حالی که همانگونه که پیش از این سخن رفت، قرارداد بیمه عمر، ذاتاً و ماهیتاً دارای دو وصف جایز و لازم به طور هم زمان (برای بیمه گذار جایز و برای بیمه گر لازم) خواهد بود حال چگونه می توان چنین عقدی را منطبق با عقد جایز جعاله یکسان دانست که از حیث ماهیت و زوال یکسان دانست؟!.

ضمن آنکه در قراردادهای بیمه عمر، بیمه گذار برخلاف عامل که باید کار خاصی انجام دهد تا مستحق جعل قرار گیرد، هیچ کار خاصی انجام نمی دهد و صرفاً با حدوث شرط مندرج در قرارداد (فوت یا حیات در مدت معین) مستحق سرمایه خواهد بود؟! بر این اساس، بیمه گر که توسط ایشان یک طرف عقد جعاله تعریف شده است، تا پیش از حدوث شرط، هیچ تعهدی در قبال بیمه گذار (طرف دوم) ندارد. در حالی که در عقد جعاله، از لحظه وقوع عقد، عامل مکلف است در مقام ایفای تعهد (امر جاعل) و در قبال مزد (جعل) که برای وی در نظر گرفته شده است، قیام نموده و بر این اساس، ذمه وی از همان لحظه در مقابل «جاعل» مشغول شده است، در حالی که در قراردادهای بیمه عمر، تا زمانی که بیمه گذار فوت نکرده باشد (در بیمه های

<sup>۱۹</sup>- جهت کسب اطلاع بیشتر در این زمینه، رجوع کنید به: علیان، شوکت محمد، (۱۴۱۶ ه. ق. / ۱۹۹۶ م)، «التأمین فی الشریعه و القانون»، الطبعة الثالث، ریاض، مطبعة دارالشواف، صص ۴۵ و ۷۵.

<sup>۲۰</sup>- نک: به: جمالی زاده، احمد، (۱۳۸۰)، «بررسی فقهی عقد بیمه»، چاپ اول، قم، نشر بوستان کتاب، صص ۲۶۸ تا ۴۹۰.



عمر مشروط به فوت بیمه گذار) یا سررسید معین نرسیده باشد (در بیمه های عمر مبتنی بر حیات بیمه گذار)، عملاً تکلیفی جهت اداء توسط بیمه گر (به زعم این نویسنده «عامل») وجود ندارد که جاعل بخواهد آن را طلب نماید. بنابراین، پذیرش این نظریه که قراردادهای بیمه عمر، منطبق با عقد جعاله باشند، به اعتقاد ما، خالی از اشکال نخواهد بود.

### ۳-۶- تطبیق بیمه عمر با «تعهد به نفع ثالث»

یکی دیگر از نظریاتی که در انطباق قراردادهای بیمه عمر با مسائل حقوقی مطرح است و همواره در میان نویسندگان حقوقی، طرفداران پُرپاقرصی نیز دارد، تطبیق قراردادهای بیمه عمر با تأسیس حقوقی «تعهد به نفع ثالث» است که به نظر می رسد در بسیاری انواع بیمه ها خصوصاً بیمه های مسئولیت (قرارداد بیمه مسئولیت مدنی) و حوادث مربوط به اشخاص که نتیجه قرارداد، مستقیماً متوجه اشخاص ثالث و استفاده کنندگان از نتایج قرارداد می شود، این جلوه نمود آشکار و بارزی دارد که البته ما نیز تا حدود زیادی با عقیده آنان موافق خواهیم بود (اگر نپذیریم که قراردادهای بیمه عمر، قطعاً خود دارای ماهیت مستقل و جدا از کلیه عقود معین و معهود اسلامی و دیگر نهادها و تأسیسات حقوقی مانند تعاون، إحسان یا همین تعهد به نفع ثالث است). در هر حال، جهت روشن شدن بهتر این موضوع که آیا می توان قراردادهای تعهد به نفع ثالث را نه یک عقد مستقل، بلکه ماهیتاً «تعهد به نفع ثالث» (در انطباق با مواد ۱۹۶، ۲۳۱، ۷۶۸ و ۷۶۹ قانون مدنی ایران) فرض نمود یا خیر، نیاز به بررسی و تحلیل بیشتر در این خصوص خواهیم بود.

پیش از تشریح مطلب، ابتدا لازم است بگوییم که شخص ثالث در نهاد حقوقی «تعهد به نفع ثالث»، عبارت است از هر شخصی که مستقیم یا غیرمستقیم (یعنی توسط نماینده صلاحیتدار خویش داخل در عقد یا قرارداد بوده است و یا به وسیله اشخاصی که قائم مقام وی نبوده اند)، منتفع آن عقد / قرارداد به حساب آید (مطابق توافق و تراضی طرفین). به نظر هم رسد این نظریه، منشاء گرفته از حقوق غرب (خصوصاً حقوق رومی - ژرمنی و تصریحاً حقوق فرانسه در عصر حاضر) باشد که حقوقدانان فرانسوی تحت تأثیر نیازها و تحولات اجتماعی، این نظریه را پذیرفتند که می توان برای افرادی که در عقد / قرارداد اصیل نبوده اند، حق یا حقوقی نیز متصور شد (بر خلاف اصل شخصی بودن عقود و قراردادها).<sup>۲۱</sup> قائلین به این نظریه که بیمه های عمر مصداق تعهد به نفع ثالث می باشد بر این عقیده استوارند که یک فرد (بیمه گذار) با انعقاد قرارداد با شخصی دیگر (بیمه گر) توافق می کند که بعد از فوت وی، مبلغی نصیب بازماندگان (ورثه یا هر شخص ثالث دیگری) گردد. به نظر ما، تا این مرحله از بحث، نظر این دسته حقوقدانان مورد پذیرش است چرا که با فوت بیمه گذار، ضمن تحقق شرط پرداخت سرمایه (نفع بیمه ای)، عملاً دیگر اصالتی از بیمه گذار (طرف قرارداد بیمه عمر) نبوده و از آن لحظه به بعد، فرد یا افراد دیگری که ثالث تلقی می شوند (بر مبنای تعریفی که از اشخاص ثالث بیان گردید) وارد مرحله اجرای قرارداد خواهند شد. اما بحث اصلی بر سر این مسأله

<sup>۲۱</sup>- استاد مسلم حقوق اسلامی (با رویکرد فقهی) ایران، جناب دکتر سیدمصطفی محقق داماد بر این ادعا صحه گذاشته است. نک. به: محقق داماد، سیدمصطفی، (تابستان ۱۳۷۴)، «تعهد به نفع شخص ثالث از نظر شیخ انصاری و دکترین های حقوقی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱، شماره ۱۶ و ۱۷، ص ۱۵.



است که اگر بیمه عمر، مبتنی بر فوت بیمه گذار نبوده و برای حیات وی (با گذشت مدّت زمان معین) منعقد شده باشد، در این صورت تکلیف چیست؟ چرا که بیمه گذار در اینجا، نه شخص ثالث بلکه اصیل قرارداد بوده و منتفع اصلی نه دیگران، بلکه خود وی خواهد بود. البته در این میان، بعضی از اندیشمندان حقوق اسلامی ما (من جمله دکتر مرتضی مطهری) چنین نظری را به طور کلی، مردود و مصداق ربا و در جایی دیگر آن را مکروه دانسته است (در فرضی که در بیمه های عمر مبتنی بر فوت بیمه گذار که توافق می شود پس از فوت بیمه گذار، مبلغی به فرد دیگری «بیمه گذار» فوت کند تا مبلغی پول را زودتر از مؤسسه بیمه دریافت کند)،<sup>۲۲</sup> در حالی که به نظر ما، این نظر همیشه حاکم بر قضیه نیست و چه بسا بیمه گذار در زمان انعقاد قرارداد بیمه و حتّی پس از آن (تا پیش از فوت)، موضوع را از منتفعان بیمه مخفی نگهداشته است؛ در این حالت، وقتی که شخص یا اشخاص ثالث از این نفع مادی بی خبرند، چگونه می توان آرزو و دعای مرگ بیمه گذار (اصیل معامله یا قرارداد بیمه عمر) را بنمایند؟! همچنین، ایشان بر نظر مستحکم است که فرض مخالف قسم اخیر نیز می تواند در اینجا صادق باشد و آن این است که در قراردادهای بیمه عمر مبتنی بر حیات بیمه گذار (تا انقضای مدّت معین)، به این دلیل که اگر بیمه گذار فوت نکرد، این مؤسسه بیمه است که می بایست مبلغی را به عنوان نفع بیمه ای به وی پرداخت کند و در این حالت، این بیمه گر است که آرزو و دعای مرگ بیمه گذار را در آن مدّت معین خواهد داشت (نک. به: پرتوی زاده بنام و آیتی، پیشین: ۷۱) که البته این فرض، هم خالی از اشکال نبوده و امروزه چنین تصوّراتی در عالم واقع و در عرف بیمه ای راه ندارد، چه آنکه مؤسسات بیمه ای، جمگلی در قالب شرکتهای تجاری و دارای شخصیت حقوقی مستقل از سهامداران هستند که اساساً چنین آرزو و دغاهایی، در عملکرد و کارکرد آنان بی تأثیر و فاقد جایگاه منطقی خواهد بود. با این وجود، این نظریه که «بیمه عمر»، مصداق یا نوعی از مضامین «تعهد به نفع ثالث» است، همچنان اعتبار خویش را در میان حقوقدانان ما دارد و با وجود ایراد توضیحات پیشین، اصرار بر آن است که قرارداد بیمه عمر، ماهیتاً، تعهد به نفع ثالث تلقی گردد. برخی برای اثبات این ادعا، به اظهار نظر شماره ۵۱۳۸۴۸۲ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۰ اداره کل امور حقوقی دانشگاه تهران، استناد نموده اند که در ابتدای این اظهاریه آمده است: «نظر به اینکه بیمه عمر نوعی تعهد به نفع شخص ثالث است که حکم آن مشمول قسمت آخر ماده ۱۹۶ قانون مدنی بوده ...». برخی دیگر نیز به صراحت و قاطعیت، آن را تعهد به نفع ثالث بیان داشته اند (عابدپور، ۱۳۸۰)<sup>۲۳</sup> در جای دیگر، گفته شده است با اینکه بیمه عمر می تواند نوعی تعهد به نفع ثالث باشد، لیکن افتراقی نیز میان این دو است بدینحو که در تعهد به نفع ثالث، اگر ثالث ذینفع، تعیین نشود، تعهد باطل

<sup>۲۲</sup> جهت کسب اطلاع بیشتر در این زمینه، رجوع کنید به: مطهری، مرتضی، (۱۳۶۱)، «بررسی فقهی مسأله بیمه»، چاپ اول، قم، انتشارات میقات، ص ۸۲ به بعد. همچنین، نک. به: «مسأله ربا به ضمیمه بیمه»، از همان نویسنده.

<sup>۲۳</sup> جهت مشاهده استدلال های این نویسنده، رجوع کنید به: عابدپور، محمود، (مهر ۱۳۸۰)، «تعهد به نفع شخص ثالث و بیمه عمر»، مجله تازه های جهان بیمه، شماره ۴۰.



است در حالی که در قرارداد بیمه عمر، هرگاه ثالث منتفع، تعیین نشود یا در تعیین مجهول باشد، بیمه باطل نیست و وراثت متوفای، ذینفع تلقی می شوند که می توانند از نتایج مادّی قرارداد، منتفع شوند.<sup>۲۴</sup> این نظر، مورد تأیید ما نیز است با این تکمله که در تعهد به نفع شخص ثالث، برخلاف بیمه عمر، امکان تغییر ذینفع ثالث وجود ندارد، چرا که مبنای انعقاد اصلی، محتملاً شخصیت خاص ذینفع ثالث بوده است، در حالی که در قراردادهای بیمه عمر، ثالث نافع قرارداد، در هر زمان، توسط بیمه گذار می تواند تغییر کند. ضمن آنکه پرداخت سرمایه (نفع بیمه ای) پس از فوت بیمه گذار به افراد ذینفع قرارداد بیمه عمر، هیچگاه جز یا داخل ارکان اصلی قرارداد به عنوان یکی از عوضین یا شرط تحقق و بقای این قرارداد تلقی نمی شود و همانگونه که گفتیم حتّی با وجود عدم معرفی ذینفع توسط بیمه گذار، شرکت بیمه (بیمه گر)، وراثت قانونی بیمه گذار را ذینفع تلقی می کند که مبلغ سرمایه نیز بر اساس تساوی و نه مطابق قانون ارث میان ایشان (در فرض تعدّد) تقسیم خواهد شد و اگر برای بیمه گذار (حین الفوت) ورثه ای نباشد، ظاهر آن است که آن سرمایه به حاکم با عنوان «اموال بلاوارث» خواهد رسید.

واضح است که این فرآیند حقوقی - بدینحو که بیان گردید - نمی تواند مصداق ظاهر و آشکار تعهد به نفع ثالث (در معنای اخصّ پیش گفته) تلقی گردد چه آنکه قانونگذار اسلامی ما، در مواد (۱۹۶) و (۲۳۱) ظهور و بنای تعهد به نفع ثالث را به عنوان یک شرط مصرح در معاملات در نظر گرفته است؛ با این مشخصه که با رویگردانی از اصل شخصی بودن عقود و قراردادهای به ناچار اصلی دیگر به نام «اصل نسبی بودن قراردادهای» را پذیرفته است که مجال آن باشد طرفین یک عقد یا قرارداد معوّض که به دنبال نفع و سود مشخص بوده اند، حق یا سهم مادّی ای نیز برای شخص دیگری که در اصل معامله سهیم نیست، در نظر گیرند که البته چنین تفریری را که جنبه استثنایی محض دارد، باید به قدر متیقّن و در حدود نصّ تفسیر نمود.<sup>۲۵</sup>

ضمن آنکه در بیمه های عمر، پس از فوت بیمه گذار، مبلغی پول بلاعوض (از سوی ثالث) به وی تملیک می شود، در حالی که در تعهد به نفع ثالث، چنین فرضی متصوّر نیست و آنچه روا دارد، ایفای تعهدی غیرتملیکی در حق شخص یا اشخاص ثالث خواهد بود. اگر هم در فرض پذیرش این نظر که ممکن است در ضمن معاملات، مقرر شود مالی بعداً به تملیک شخص ثالث درآید، این تملیک نوعی ایجاب است که نیاز به قبول ثالث دارد در حالی که در بیمه های عمری، چنین فرضی اساساً مطرح

<sup>۲۴</sup> - جهت مطالعه بیشتر در این باب، رجوع کنید به مطلبی با عنوان: «تعهد به نفع شخص ثالث» نوشته زهرا رنجبر، مندرج در وبسایت «حامی دادگستر»، بی تا.

<sup>۲۵</sup> - دکتر محسن ایزانلو (استاد حقوق دانشگاه تهران) که خود مقاله ای با عنوان «تعهد به نفع ثالث» (در حقوق ایران و فرانسه) نوشته اند، با این نظر کاملاً موافق است و در ضمن توضیحات خویش، از انطباق بیمه عمر با تعهد به نفع شخص ثالث، هیچ اشاره ای به این موضوع نداشته است. ضمن آنکه ایشان مبنای پیدایش تعهد به نفع ثالث را منحصراً درج شرط ضمن عقد می داند که در غیر این صورت، هیچ محملی برای چنین انتفاعی (در فرض عدم تصریح در ضمن عقد اصلی) برای شخص ثالث نپنداشته است در حالی که در قراردادهای بیمه عمر، گفته شد هرگاه در زمان انعقاد قرارداد، ذکری از ثالث نشود، خللی به صحت آن وارد نخواهد بود.

- جهت اثبات سخن، رجوع کنید به: ایزانلو، محسن، (بی تا)، «قواعد حاکم بر تعهد به نفع شخص ثالث»، روزنامه حمایت، مندرج در وبسایت حقوقی «صادقی نیا»، بی تا. همچنین، نک. به: مقاله ایشان با عنوان مذکور. علاوه بر این، به عنوان مراجع مکمل بحث و ادعا، رجوع کنید به: سوکی، آذر، (تابستان ۱۳۸۸)، «اصل نسبی بودن آثار قراردادهای و تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق موضوعه ایران»، پژوهشنامه الهیات، شماره ۷، صص ۵۷ تا ۷۲.





نیست. از میان حقوقدانان صاحب‌نظر در حقوق ما، استاد شهیر حقوق ایران، مرحوم ناصر کاتوزیان چنین عقیده‌ای را ابراز داشته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۹۸). البته ایشان، معتقدند هم در تعهد به نفع ثالث و هم در بیمه‌های عمر، «وجود ثالث در زمان عقد قرارداد» ضروری نیست و کافی است هنگام اجرای تعهد، شخص ثالث موجود باشد» (همان: ۱۹۹؛ همچنین، نک. به: ماده ۲۴ قانون بیمه و ماده ۷۶۹ قانون مدنی).<sup>۲۶</sup> البته ایشان، با بیان نکته‌ای ریز و فنی بر این موضوع صحه گذاشته است که تعهد به نفع ثالث شاید مشابه یا همسان با بیمه عمر باشد، اما فرض دانستن ماهیت یکسان برای آنها دور از ذهن است (به شکل ضمنی)؛ آن نکته اینست که «در قراردادی که تعهد به نفع شخص ثالث در آن آمده است، این شرط ضمنی وجود دارد که اگر منتفع، آن را رد کند یا به دلیلی معلوم نگردد یا نتواند مالک حق شود، تعهد به سود مشروطه له قرارداد اجراء گردد» (همان: ۱۹۹؛ همچنین، نک. به: ماده ۲۴ قانون بیمه و قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، ش ۶۹۶). واضح است که در مورد قراردادهای بیمه عمر اینچنین نیست و در فرض عدم پیش بینی (اندراج) اسامی افراد ذینفع در قرارداد، در فرض فوت بیمه‌گذار، سرمایه به ورثه قانونی خواهند رسید و در فرض دوم (بیمه عمر به شرط حیات)، اصل مبلغ نه سود دیگری، بلکه به خود وی خواهد رسید و شرکت بیمه با اینکه خود، یکی از طرفین قرارداد بوده است، به هیچ وجه، سهمی در این انتفاع نخواهد داشت (ضمن آنکه «مشروط له» بودن آنها، به حیث ذات قرارداد بیمه عمر، موضوعاً منتفی خواهد بود).

از دیگر سو، مطابق مواد (۷۶۸) و (۷۶۹) قانون مدنی (در باب عقد صلح)، ایجاد تعهد یا انتقال مال در حق شخص ثالث، از جمله عوضین عقد به شمار آمد که تابع قواعد عمومی قراردادها و تراضی صریح طرفین خواهد بود؛ با این مشخصه که از ثالث پذیرش ایجاب و اعلام قبول لازم می‌آید. ضمن آنکه در تعهد به نفع ثالث، تازمانی که ثالث تعهد را نپذیرفته است، امکان تغییر محتوای آن از جانب مشروط له میسر است. به عبارتی، اگر ثالث تعهد را رد کند، مشروط له حق رجوع به مشروط علیه را جهت ایفای تعهد اعم از انجام کار یا تأدیه مال را خواهد داشت و این اقدام ثالث، به معنای سقوط تعهد نخواهد بود (همان؛ با رعایت ماده ۲۴ قانون بیمه). هر چند که استاد کاتوزیان، معتقدند در بیمه عمر، صلح و تعهد به نفع ثالث (به عنوان تأسیس حقوقی خاص)، همواره در قرارداد ممکن است یکی از دو عوض، به سود ثالث نیز باشد (قواعد عمومی قراردادها، ج ۲: ش ۶۴۳ و مفهوم ماده ۷۶۸ قانون مدنی). و به عنوان مخلص سخن، این نکته از لسان استاد بیان گردد که معتقدند «امکان تعهد به سود ثالث از قواعد عمومی قراردادها است و ویژه عقود همچون صلح و هبه یا بیمه عمر نیست» (کاتوزیان، ۱۳۹۳، پیشین: ۱۹۸). بر این اساس، ایشان واضحاً در مقام بیان این مسأله بوده است که هر عقد و قراردادی تابع عموماً خویش است و هیچ عقد یا قراردادی، جز در موارد تصریح و اعلان شارع یا واضع قانون (قانونگذار) نمی‌تواند از عقدی دیگر یا احکام مترتب بر آن پیروی کند چنانکه ایشان، میان تعهد در نهاد «تعهد به نفع ثالث» و «تعهد موضوع قرارداد بیمه عمر» قائل به تفکیک و تمایز

<sup>۲۶</sup> جهت کسب اطلاع بیشتر در این زمینه، رجوع کنید به: کاتوزیان، ناصر، (۱۴۰۰)، «قواعد عمومی قراردادها»، جلد سوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش، شماره‌های ۶۵۲ و ۶۷۲.

4<sup>th</sup> International  
Conference on  
Jurisprudence, Law  
And  
Religious Research

March 6, 2022  
Tbilisi - Georgia



نموده است. ضمن آنکه در تعهد به نفع ثالث، طرفین قرارداد نمی توانند تعهد مذکور را تغییر یا اسقاط نمایند چرا که تراضی اولیه بر مبنای آن تحقق یافته است، در حالی که در بیمه های عمر، اساساً نیازی به قبول ثالث نبوده است که قبول نمایم دو طرف قرارداد (بیمه گر و بیمه گذار) نخواهند یا نتوانند در کمیّت و کیفیت قرارداد، تغییری ایجاد کنند.



#### ۴- نتیجه گیری

با تدقیق در کلام فقهاء و حقوقدانان، در بحث «بیمه عمر» و تطبیق آن با عقود مشابه و مشخصاً «تعهد به نفع ثالث»، به طور خلاصه، نتایج ذیل قابل استخراج خواهد بود:

۱- از میان بیمه های اشخاص، بیمه های عمر اگرچه در صنعت بیمه کشورمان از جایگاه والایی برخوردار نیستند (به دلایل پیش گفته در پژوهش حاضر)، لیکن در سطح جهانی، خصوصاً در کشورهای پیشگام در صنعت بیمه، این نوع بیمه ها از اهمیت و جایگاه رفیعی برخوردارند؛ بنحوی که امروزه این صنعت، یکی از مهمترین منابع مالی شرکتهای بیمه در کشورهای اروپایی و آمریکایی به حساب می آید. ضمن آنکه قالب شهروندان، به آن اهمیت فوق العاده ای داده اند.

۲- بیمه عمر، در حقوق بیمه ای کشورمان، از بدو پیدایش تا کنون، دوران بسیار پُر فراز و نشیبی را طی کرده است. این تحولات و پیشینه متزلزل دلایل عمده ای داشته است که بیشتر آن به ناآگاهی کافی شهروندان و ایراداتی بود که از باب شرع توسط فقهای متأخر (مراجع تقلید و شورای نگهبان) همواره به آن وارد می آوردند. در آخر نیز همین فقها و رجال دین به این نتیجه رسیدند که بیمه عمر، نه فقط یک معامله ربوی، حرام و باطل نیست، بلکه می تواند در قالب یکی از عقود معین و معهود اسلامی - و بعدها با تغییر رویکرد، گفته شده در قالب یک عقد مستقل با ماهیتی خاصه به خود - کمک ارزنده ای به صنعت بیمه کشور نماید. از سویی، می تواند به حال بازماندگان بیمه شدگان نیز مرهمی باشد که با نفع بیمه ای (سرمایه) که توسط بیمه گر پرداخت می کند، ولو به شکل اندک و گذرا، به تقویت اقتصاد معیشتی خویش یاری رسانند.

۳- در یک تقسیم بندی کلی، بیمه های عمر به انفرادی و گروهی تقسیم بندی می شوند که بیمه های انفرادی با توجه به آنکه مضمون سخن ما بودند، بیشتر تکیه بحث بر آنها استوار بود (بیمه های انفرادی عمر شامل بیمه عمر به شرط حیات، بیمه عمر به شرط فوت و بیمه عمر مختلط می باشد) لذا با چنین تقسیم بندی از این قراردادها (مطابق عرف و رویه رایج در ارائه بیمه نام ها)، همچنین تبعیت این قراردادها از قواعد عمومی انعقاد و شکل گیری عقود و قراردادها (موضوع قانون مدنی)، مسلم است که اینها خود می توانند موضوع یک عقد / قرارداد مستقل از سایر عقود معین قرار گیرند و عقد جدیدی را تشکیل دهند که مشمول هیچ یک از عقود و نهادهای مشابه اعم از بیع، ضمان، صلح، هبه، اجاره، ودیعه، جعاله، تعاون، تعهد به نفع ثالث و غیره نبوده و هر آنچه فقهاء (خصوصاً فقهای اهل سنت و تا حدودی فقهای امامیه) درباره بطلان و فساد آنها به جهت ربا، غرر، قمار، التزام مالایلمزم و شبهاتی دیگر، ابراز داشته اند، ایرادی ناصحیح و همانگونه که شرح آن گذشت، قابل دفع خواهد بود.

بنابراین سخن، مستند به ادله زیادی همچون آیه شریفه «او فوا بالعقود» و «تجاره عن تراض» و روایات صحیح وارده ای همچون «المومنون عند شروطهم» و «الناس مسلطون علی اموالهم» و تطبیق این قراردادها با مواد (۱۹۰) تا (۱۹۶) قانون مدنی و با لحاظ سایر مواد قانونی (مانند ماده ۲۳۱ قانون مدنی و تدقیق در بعضی مواد مربوط به عقود همچون صلح، هبه، ضمان و بیع)، می توان با قاطعیت چنین استنباط و اعلام نمود که قراردادهای بیمه عمر، نه فقط می توانند یک عقد مستقل و صحیح باشند (بدون

4<sup>th</sup> International  
Conference on  
Jurisprudence, Law  
And  
Religious Research

March 6, 2022  
Tbilisi - Georgia



آنکه وابسته به عقودی دیگر باشند یا از حیث آثار، احکام و ماهیت تابع آنها باشند)، بلکه با هیچ مانع فقهی و حقوقی مواجه نبوده و از سویی، با هیچ یک از عقود مندرج در قانون مدنی و نهادهای حقوقی مشابه مانند «تعهد به نفع ثالث» مطابق با آنچه گفته شد، قابل سنجش و مقایسه نخواهند بود.

۴- برخلاف فقهاء، اغلب حقوقدانان، اعقاد بر این دارند که قراردادهای بیمه نه مشابه یا همسان عقود معین و معهود اسلامی، بلکه شبیه تأسیس حقوقی «تعهد به نفع ثالث» و گونه ای از آن است (البته این بدان معنا نیست که گفته شود بیمه عمر، مصداق و عین تعهد به نفع ثالث است؛ بلکه از این جهت، این نظر ابراز شده است - که مرحوم دکتر کاتوزیان هم با آن هم عقیده بودند - در هر نهاد، شخص ثالث خارج از قرارداد، منتفع قرار خواهد بود، اما همانگونه که بیان گردید، در بیمه های عمر، گاهی این خود بیمه گذار است که منتفع اصلی است و عملاً از منتفع ثالث ردی نیست). بر این اساس و با تحلیلی که از تعهد به نفع ثالث از نظرها گذشت، با وجود وجوه اشتراک بین این دو، نمی توان قائل بر این بود که همسانی و تطبیق موجه میان قرارداد بیمه عمر و تعهد به نفع ثالث، قیاسی صحیح و روا باشد و ناگزیر باید به ماهیت مستقل جداگانه هر یک حکم داد.



## ۵- منابع و مأخذ

### ۵-۱- کتابها (فارسی و عربی)

- الزرقاء، مصطفی، (۱۹۶۵ م)، «عقد التأمین»، بیروت، نشر دارالفکر.
- السنهوری، احمد عبدالرزاق، (بی تا)، «الوسیط»، جلد هفتم، بی جا.
- اوبر، ژان لوک، (۱۳۷۸)، «بیمه عمر و سایر بیمه های اشخاص»، ترجمه جان علی محمودصالحی، چاپ دوم، تهران، نشر شرکت بیمه مرکزی.
- آل محمود، محمود، (بی تا)، «التأمین الاجتماعي فی ضوء الشریعه الاسلامیه، بی جا.
- برهانیان، عبدالحسین و نقیبی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، «بررسی مبانی بیمه در اسلام»، چاپ اول، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- جمالی زاده، احمد، (۱۳۸۰)، «بررسی فقهی عقد بیمه»، چاپ اول، قم، نشر بوستان کتاب.
- جوهریان، محمولی، (۱۳۷۳)، «بیمه عمر»، چاپ اول، تهران، نشر شرکت سهامی بیمه ایران.
- حرّ عاملی، محمدحسن، (بی تا)، «وسائل الشیعه»، تهران، چاپ اسلامیه.
- حلّی، ابن ادریس (مشهور به علامه حلّی)، (۱۴۱۵ ه. ق.)، «بحوث فقیهه، چاپ چهارم، بیروت، مؤسسه المنار.
- حکیم، سیدمحسن، (۱۳۵۳ ه. ش.)، «منهاج الصالحین»، چاپ چهارم، تهران، انتشارات لطفی.
- خویی، ابوالقاسم، (۱۳۹۵ ه. ق.)، «توضیح المسائل»، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات صالحی.
- دستباز، هادی، (۱۳۷۷)، «اصول و کلیات بیمه های اشخاص»، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- رشید، رضا محمد و بهجه البطار، محمد، (۱۴۰۶ ه. ق. / ۱۹۸۶ م)، «الربا و المعاملات فی الاسلام»، الطبعة الاولى، دار ابن زیدون.
- زین الدین، محمد امین، (۱۴۱۳ ه. ق.)، «کلمه التقوی»، چاپ سوم، قم، انتشارات جواد وداعی.
- سبزواری، عبدالحسین، (۱۴۱۳ ه. ق.)، «مهدب الاحکام»، چاپ چهارم، قم، نشر دفتر آیه الله سبزواری.
- شهید ثانی، (۱۴۱۳ ه. ق.)، «مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام»، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شیبانی، احمدعلی، (۱۳۳۶)، «مقدمه ای بر اصول بیمه»، چاپ اول، تهران، نشر مدرسه عالی بیمه تهران. (مرجع غیرمستقیم).
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ه. ق.)، «المبسوط فق فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، مکتبه المرتضویه لأحیاء الآثار الجعفریه.
- عرفانی، توفیق، (۱۳۸۱)، «قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران»، چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان.
- علیان، شوکت محمّد، (۱۴۱۶ ه. ق. / ۱۹۹۶ م)، «التأمین فی الشریعه و القانون»، الطبعة الثالث، ریاض، مطبعة دارالشواف.



- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۰)، «دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اعمال حقوقی: قرارداد و ایقاع»، چاپ نهم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار با همکاری شرکت بهمن بُرنا.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ چهلّم، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۴۰۰)، «قواعد عمومی قراردادها»، جلد سوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- کریمی، آیت، (۱۳۸۷)، «کلیات بیمه»، چاپ دوازدهم، تهران، نشر پژوهشکده بیمه.
- مجرکش، محمدعادل، (بی تا)، «تلاقی الاسلام و تدمین فی الغایات و الاهداف، بی جا.
- مشایخی، همایون، (۱۳۴۹)، «مبانی و اصول حقوقی بیمه»، چاپ اول، تهران، نشر مؤسسه عالی حسابداری.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۱)، «بررسی فقهی مسأله بیمه»، چاپ اول، قم، انتشارات میقات.
- مطهری، مرتضی، (بی تا)، «ربا به ضمیمه بیمه»، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا.
- موسوی بجنوردی، سیدحسین، (۱۳۷۱)، «القواعد الفقیهه»، چاپ دوم، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، (۱۳۸۲)، «مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی: عقد بیمه»، چاپ اول، تهران، نشر پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، (بی تا)، «تحریر الوسیله»، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه دارالعلم.
- نجفی، محمدحسن، (بی تا)، «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، چاپ هفتم، بیروت، نشر دارالأحیاء التراث العربی.

## ۵-۲- مقالات

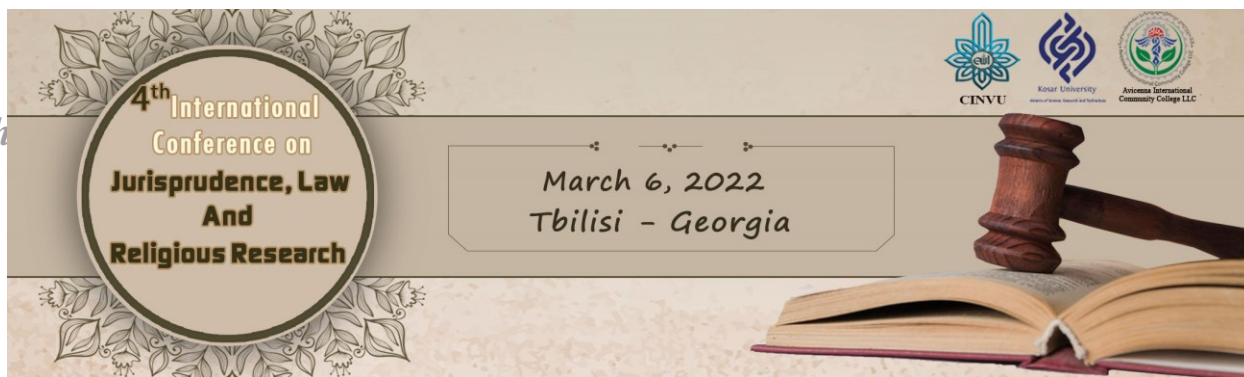
- امین فرد، محمد و زردرنگ کشکی، حکیمه، (زمستان ۱۳۹۲)، «تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت قرارداد بیمه عمر و ادله مشروعیت آن»، پژوهشنامه بیمه، سال بیست و هشتم، شماره ۴، شماره مسلسل ۱۱۲، صص ۱۵۵ تا ۱۷۸.
- آل شیخ، محمد، (۱۳۸۸)، «ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه های عمر و مسئولیت مدنی»، پژوهشنامه بیمه، شماره شصت و ششم (مرجع غیرمستقیم).
- بهره ور، بی نام، (مرداد و شهریور ۱۳۳۶)، «مبحث حقوقی بیمه»، مجله ماهانه کانون وکلای دادگستری، سال نهم، شماره چهارم.
- پرتوی زاده بنام، رضا و آیتی، سیدمحمدرضا، (پاییز ۱۳۹۱)، «بیمه عمر از منظر فقه و حقوق اسلامی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ششم، شماره بیست و دوم، صص ۵۱ تا ۸۴.
- توحیدی نیا، ابوالقاسم، (۱۳۸۱)، «تکافل و اهمیت توجه بیشتر به آن در ایران»، فصلنامه صنعت بیمه، سال بیست و دوم، شماره چهارم.

4<sup>th</sup> International  
Conference on  
Jurisprudence, Law  
And  
Religious Research

March 6, 2022  
Tbilisi - Georgia



- سیاه بیدی کرمانشاهی، سعید، (بهار ۱۳۹۸)، «تحلیل حقوقی قرارداد بیمه عمر»، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری «وکیل مدافع»، شماره ۱۸، صص ۱۲۱ تا ۱۴۲.
- صادقی نشاط، امیر، (زمستان ۱۳۷۲)، «غرر و شرط تعهد به نفع ثالث در بیمه عمر»، فصلنامه بیمه، شماره چهارم.
- عابدپور، محمود، (مهر ۱۳۸۰)، «تعهد به نفع شخص ثالث و بیمه عمر»، مجله تازه های جهان بیمه، شماره ۴۰.
- محقق داماد، سیدمصطفی، (تابستان ۱۳۷۴)، «تعهد به نفع شخص ثالث از نظر شیخ انصاری و دکترین های حقوقی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱، شماره ۱۶ و ۱۷.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد و سمیعی زفرقندی، زهرا، (۱۳۹۰)، «تحلیل ماهیت و انواع قرارداد بیمه عمر با رویکرد بر نظر امام خمینی (س)»، پژوهشنامه متین، شماره ۵۲، صص ۱۳ تا ۳۸.



## **Jurisprudential legal review of the validity or invalidity of life insurance and its comparison with some similar contracts**

**Kamel Hamid<sup>1</sup>, Abdolsalam Hamid<sup>2</sup>**

1- PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Qeshm International Branch

2-PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Aras International Branch

### **Abstract**

Despite several decades since the emergence of insurance (as a contract) and the resulting contracts (in various forms) in Iran, but there is always a deep disagreement among jurists in its legal nature; The main reason for these disagreements is the division of jurists into the legitimacy or illegitimacy of insurance. Some jurists, especially Sunni jurists, have considered insurance as a forbidden and invalid contract because they believe that this contract bears no resemblance to the contracted Islamic contracts, and for it titles such as "obligation of Malayism", "gambling", "usury" and "gharr" They have used that, of course, this opinion has a limited fan base among our jurists (specifically in the discussion of usury of "life insurance"). One of the types of insurance contracts that have many applications in the daily life of society and of course many fans, which has not been without problems, is "life insurance" or "life insurance" (the subject of Articles 23 to 27 of the Insurance Law), which among lawyers We (according to the jurists) believe that "life insurance" with any of the similar contracts such as sale, guarantee, peace, forgery, exchange gift, Mudaraba, commitment to a third party or jurisprudential titles such as suspension, cooperation (donation and Cooperation) is not the same and in case of accepting the insurance contract as a new contract with an independent nature and separate from other specific and contractual contracts in Islamic law, it is acceptable and objections such as usury, gambling and arrogance will be repelled. In this article, which has been compiled in a library method, we will see that "life insurance", despite the numerous titles that it has from the perspective of Islamic jurists and jurists, can be considered as an independent contract with characteristics such as "necessary", "satisfaction". "Exchange", "Supplementary" and "Continuous", which, of course, based on Articles (196) and (231) of the Iranian Civil Code, it seems that with more or less disagreement, it can be an example of "commitment "In favor of a third party." Of course, at the end of the discussion, we will come to the important point that despite the similarities between the life insurance contract and the obligation in favor of a third party, it is not possible to judge the compatibility of the two and inevitably the life insurance contract must be independent and separate from the others. Contracts and contracts were considered, which was also approved by the late Imami jurists and the Iranian legislature (in the Insurance Law).

**Keywords:** life insurance, certain contracts, independent contract, insurance beneficiary, principle of relativity of contracts.